

اشاره

پس از نزول قرآن کریم سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بر آن بوده است که کتاب خدا را برای یاران خود توضیح می‌داده‌اند که این موضوع در تاریخ به تفسیر قرآن کریم معروف است علمای اهل سنت و تشیع نیز این روش را دنبال کرده‌اند که در این مقاله به معرفی برخی از کتاب‌های تفسیری و مفسرین پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: تفسیر، روش‌های تفسیری، علوم قرآنی، معارف قرآنی

الف) معنای لغوی «تفسیر»

«تفسیر» مصدر باب «تفعیل» از ماده «فَسَّرَ» از باب «ضَرَبَ» به معنای مطلق اظهار و کشف کردن و کنار زدن پرده است؛ اعم از اینکه از سنخ کلام باشد و یا غیر کلام و کلام هم اعم از قرآن و غیر آن است. یعنی تفسیر در توضیح و تشریح غیر قرآن از کتب فلسفه و غیره به کار رفته است. هر چند در عرف مسلمین اکنون از تفسیر فقط تشریح و تبیین قرآن کریم تبادر می‌شود.^۱

ب) معنای اصطلاحی «تفسیر»

دانشمندان علوم قرآنی و مفسرین برای جامع و مانع بودن علم تفسیر تعریف‌های عده‌ای کرده‌اند که در پی نوشت به بعضی از آن‌ها اشاره خواهد شد. هر چند به قول ذهبی در «التفسیر و المفسرون»، تمام این تعاریف در این قدر جامع اشتراک و اتفاق نظر دارند که: تفسیر علمی است که از مراد خداوند متعال به قدر طاقبت بشر، بحث می‌کند.

بنابراین، علم تفسیر توضیح و تبیین مراد خداوند متعال را از کتابش ارائه می‌دهد و از مقاصد و اهداف آیات قرآن پرده برمی‌دارد.^۲

ج) جایگاه علم تفسیر

جایگاه و شرافت علوم یا به‌خاطر موضوع آن‌هاست - و موضوع علم تفسیر کلام خداوند متعال است که سرچشمه تمام حکمت‌هاست و هر آنچه بر عمر آن افزوده گردد، هرگز کهنه نخواهد شد و عجایب آن پایدار است - و یا اینکه به‌خاطر فواید اهداف و اغراض آن‌هاست - که غرض از علم تفسیر فهم مراد خدای متعال از کتابش یعنی قرآن و معرفت احکام و فرائض بر بندگان است که این نیز بهترین راه برای رسیدن به سعادت است. بنابراین از نظر هدف‌دارای بهترین هدف است در مقدمه تفسیر شریف «مجمع البیان» هم از علم تفسیر این‌گونه تجلیل شده است:^۳ «فَعِلْمُ التَّفْسِيرِ هُوَ أَجَلُ الْعُلُومِ قَدْرًا لِأَنَّهُ الْمَوْصِلُ إِلَى فَهْمِ مَرَادِ اللَّهِ مِنْ كِتَابِهِ وَ مَعْرِفَةِ أَحْكَامِ اللَّهِ فِي وَحْيِهِ وَ مَا فَرَضَهُ عَلَى عِبَادَةِ هَذِهِ الْغَايَةِ كَمَا لَا يَخْفَى هِيَ أَشْرَفُ الْغَايَاتِ وَ أَحْسَنُ الطَّرِيقِ لِتَبَلُّغِ السَّعَادَةِ»

د) ضرورت و اهمیت علم تفسیر

ضرورت و اهمیت علم تفسیر به‌خاطر این است که اولاً، قرآن دارای بطون متعدد و چهره‌های مختلفی است که فقط یک چهره ظاهری آن برای عموم گشوده است و به این اعتبار نور مبین است اما چهره‌های دیگر آن گشوده نیست، بلکه به همراه تفسیر است که حجاب‌ها از جلوی چشمان ما برطرف خواهد شد.

ثانیاً، قرآن از معارف بلندی همچون معارف اسما و صفات الهی و افعال خداوند و نیز معارفی چون لوح و قلم و عرش و کرسی و بیت‌العمور سخن به میان آورده و تمام این‌ها معارف بلندی است که به تفسیر نیاز دارند. متذکر می‌شویم که علل دیگری نیز برای اهمیت تفسیر وجود دارد و ما برای رعایت اختصار آن‌ها را در این مقاله نیاوردیم.^۴

ه) مناهج تفسیری

اول: **منهج در لغت:** مناهج جمع منهج، در لغت به معنای طریق واضح و روشن آمده و مترادف با منهج و نهج است.^۵

دوم: **منهج در اصطلاح:** با توجه به مناسبت معنای لغوی منهج که به معنای طریق واضح است، منهج در اصطلاح مفسران قرآنی عبارت است از: راه و روشی که



عمران ضیایی‌نیا

مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن حوزه علمی قم



عبدالله ابن مسعود هفتاد سورة قرآن را از زبان پیغمبر (ص) فرا گرفته و بقیه را از حضرت علی (ع) آموخته است. پیغمبر (ص) درباره او فرمود: «هر کس دوست دارد که قرآن را با طراوت بشنود، به قرائت ابن مسعود گوش فرا دهد.»

۴. به علت عدم تماس با فرهنگ‌های بیگانه و عدم رسوخ شبهات فکری در میان جامعه اسلامی آن روز.^۷ در این قسمت قبل از معرفی تفسیر خاصی، نظری کلی به طبقات مفسران شیعه برای اطلاع اجمالی، لازم و ضروری به نظر می‌رسد و این نکته هم قابل توجه است که مقصود ما از طبقات مفسران غیر از رسول اکرم (ص) و حضرت علی (ع) و امامان معصوم (ع) هستند. چرا که آن‌ها حساب دیگری دارند و هر چه از معارف تفسیری به جای مانده، از آن‌هاست. حضرت علی (ع) در حال خطبه خواندن فرمود: «سلونی فوالله لا تسئلوا عن شیء الا اخبر تکم

و سلونی عن کتاب الله فوالله ما من آیه الا وانا اعلم ابلیل نزلت ام بنهار ام فی سهل ام فی جبل». و از قول ابن مسعود درباره آن حضرت است که گفته: «علی بن ابی طالب علم به ظاهر و باطن^۸ قرآن دارد و نیز مسلم است که اولین کسی که قرآن را با ترتیب نزول و تقدیم مکی بر مدنی و تقدیم منسوخ بر ناسخ و... جمع کرد، آن حضرت بوده است.^۹

طبقات مفسرین

طبقه اول: این طبقه از صحابه هستند و معروف‌ترینشان عبارت‌اند از:

۱. **ابن عباس** بنا به فرمایش پیغمبر (ص) مفسر خوبی برای قرآن بوده است که فرموده: «نعم ترجمان القرآن أنت». همچنین پیغمبر (ص) در حق او چنین دعا کرد: «اللهم فقهه فی الدین و علمه التأویل». وی از شاگردان حضرت علی (ع) و در «جنگ صفین» فرمانده بخشی از سپاه آن حضرت بود. در آخر عمر هم آخرین کلامش این بود: «خدایا، مرا زنده بدار با زندگی علی (ع) و بمیران با مردن علی (ع).»^{۱۰}

۲. **آبی بن کعب** که «سید القراء» نامیده شده است و امامان معصوم (ع) قرائتش را قرائت اهل بیت (ع) دانسته‌اند. درباره او امام صادق (ع) فرمودند: «اما نحن فنقرأ علی قراءه ابی». وی اهل ولایت و ضد سقیفه بوده است.^{۱۱}

۳. **عبدالله بن مسعود**: هفتاد سوره قرآن را از زبان پیغمبر (ص) فرا گرفته و بقیه را از حضرت علی (ع) آموخته است. پیغمبر (ص) درباره او فرمود: «هر کس دوست دارد که قرآن را با طراوت بشنود، به قرائت ابن مسعود گوش فرا دهد». وی اهل ولایت و جزو ۱۲ نفری است که خلافت ابوبکر را انکار کردند.^{۱۲}

۴. **جابر بن عبدالله انصاری**: وی از اصحاب رسول اکرم (ص) بود و تا عصر امام باقر (ع) زندگی کرده و سلام پیامبر (ص) را به آن حضرت رساند. اولین کسی بود که با عطیة یکی از مفسرین تابعین به زیارت امام حسین (ع) مشرف شد. ابوالخیر در کتاب «طبقات» خود از جابر به عنوان یکی

به عنوان مستند و یا مستنداتی مورد استناد و استدلال مفسر قرار می‌گیرد که براساس آن، کلامی را که خود به آن رسیده و نتیجه گرفته است، به عنوان تفسیر کلام خداوند متعال و مقصود آیات الهی معرفی می‌کند و فقط همین روش و منهج را صحیح می‌داند و روش‌ها و مناهج دیگر را تخطئه می‌کند. مثلاً منهج و روش تفسیر نقلی و مأثور فقط روایات را مستند و مدرک تفسیری خود قرار می‌دهد، نه مستندات دیگر را.

انواع روش‌های تفسیر عبارت‌اند از:

۱. روش و منهج تفسیر نقلی و یا مأثور که شامل تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر به روایات است؛
۲. روش و منهج تفسیر اجتهادی یا عقلی
۳. روش و منهج تفسیر جامع براساس: کتاب، سنت، اجماع و عقل
۴. روش و منهج تفسیر به رأی
۵. روش و منهج تفسیر اشاری
۶. روش^۱ و منهج تفسیر رمزی.

بخش اول «تفسیر نقلی یا تفسیر روایی و مأثور»

فصل اول: تفسیر نقلی و روایی نزد شیعه امامیه

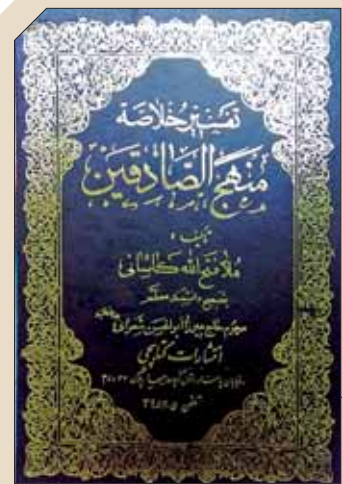
در منهج تفسیر مأثور نزد امامیه، آنچه در تفسیر قرآن حجیت دارد، احادیث معتبره‌ای است که یا از رسول اکرم (ص) روایت شده و یا از امامان معصوم (ع). برخلاف تفسیر مأثور نزد عامه که نظریات صحابه را حجت می‌داند اما به نظر شیعه، صحابه هر چند گرامی باشند، قولشان حجت نیست. به هر حال در منهج تفسیر نقلی، اجتهاد و عقل مدخلیت ندارند بلکه شدیداً بر مذموم بودن آن استدلال کرده‌اند که ما در مقام بیان استدلال و پاسخ به استدلال‌های آنان نیستیم. آنچه مورد نظر ماست، معرفی ویژگی‌های این تفاسیر و نیز علل انتخاب روش تفسیر نقلی و مأثور است.

ویژگی‌های تفسیر نقلی

۱. این تفاسیر غالباً به موارد اختلاف نپرداخته‌اند.
۲. از شرح و تفصیل به جز موارد خاص و اسباب نزول خودداری کرده‌اند.
۳. از نظرات اجتهادی و عقلی به شدت پرهیز کرده‌اند.

علل انتخاب روش و منهج تفسیر نقلی

۱. به علت مصونیت این روش از اشتباه و خطا؛ چون روایات معصومین (ع) در صورت صحت سند، همانند قرآن حجت و معتبرند.
۲. به علت اینکه حدیث معصومین نزدیک‌ترین راه برای فهم کلام وحی است؛ چون آن‌ها اولین مفسران هستند.
۳. به علت فقدان مبانی علمی و فکری کافی در جهت به کارگیری اجتهاد و عقل در تفسیر قرآن.



از مفسران طبقه اول نام برده است.^{۱۳}

طبقه دوم: این طبقه از تابعین هستند که معروفترین آنها عبارتند از:

۱. **سعید بن جبیر (وفات ۹۵ هـ.ق):** وی در میان تابعین اعلی به تفسیر بوده است، سیوطی در الاتقان از قتاده درباره سعید بن جبیر چنین گفته است: کان اعلم التابعین... و کان سعید بن جبیر اعلمهم بالتفسیر.

و ابن ندیم کتاب تفسیری او را ذکر کرده است.^{۱۴} بعضی معتقدند کتاب او اولین کتاب تفسیری است.

۲. **یحیی بن یعمر (وفات ۸۹ هـ.ق):** وی برای اولین بار قرآن را

نقطه گذاری کرد و از اعلام شیعه و تابعین معروف است. از علمای بزرگ علم تفسیر و از شیعیان قائل به برتری اهل بیت (ع) بود که احتجاجاتش با **حجاج بن یوسف ثقفی** سبب شد او را به خراسان تبعید کند.^{۱۵}

۳. **محمد بن سائب کلبی (وفات ۱۴۲ هـ.ق):** وی از علمای کوفه و در تفسیر و علم انساب متخصص بود. کلبی در زمان امام صادق (ع) زندگی می کرد و به برکت سؤالاتی که از آن حضرت کرد، هدایت شد. کتب طبقات تفسیری، او را از مفسران دانسته اند. فرزند او، **هشام قریب** صد کتاب از خود به یادگار گذاشته و در تشیع نسبت عالی داشته است.^{۱۶}

۴. **اسماعیل سدی کبیر (وفات ۱۴۵ هـ.ق):** سیوطی تفسیر سدی را نمونه معرفی کرده و سند آن را **عبدالله بن عباس** و ابن مسعود ذکر کرده و او را از تابعین دانسته است. وی اهل کوفه بود. مرحوم **شیخ عباس قمی** در «سفینه» از قول **ذهبی** و **ابن حجر**، سدی را متوجه به تشیع و او را صدوق دانسته است. در وجه تسمیه او به سدی دو قول وجود دارد: قول اول اینکه مقابل در مسجد کوفه لباس می فروخته است، و قول دوم اینکه در اطراف خانه خدا تفسیر می گفته است.^{۱۷} چون سده جمعی سادات به معنای مقابل یا اطراف خانه است.

طبقه چهارم:
در این طبقه مفسرانی جای دارند که نزدیک به زمان ائمه (ع) می زیسته اند. در واقع اولین زمانی بوده است که از وجود ائمه معصومین (ع) محروم شده اند و نیاز به تألیف تفسیر احساس شده است

منزلت رفیع بوده است. امام صادق (ع) به او دستور داد که در مسجد بنشیند و فتوا بدهد و فرمود: من دوست دارم مانند تو را در میان مردم ببینم. در هر علمی مقدم بود؛ مانند علوم قرآن، فقه، ادب و لغت. وی دارای کتب متعدد از جمله **معانی القرآن و غریب القرآن و علم القرائت** بوده است. وقتی خبر فوتش را به امام صادق (ع) دادند، آن حضرت چنین فرمود: «و الله لقد اوجع قلبی موت ابان».^{۱۹}

۳. **ابوبصیر یحیی بن قاسم اسدی (وفات ۱۴۸ هـ.ق):** «محقق قمی از رجال نجاشی و کنشی و «خلاصه الرجال» علامه **حلی** نقل کرده است که: «**ابوبصیر** ثقه و او را جزو افقه فقها معرفی کرده است. امام صادق (ع) در جواب **شعیب قرقوقی** که سؤال کرد: بسیاری از اوقات، نیاز به سؤال از مسائلی داریم، از چه کسی پرسیم؟ فرمود: «علیک بالاسدی؛ یعنی ابوبصیر.» آقای **عمید زنجانی** از قول «قاموس الرجال» می گوید: «ابوبصیر دارای کتاب تفسیر بوده و از تابعین است.»

از همین طبقه هستند اصحاب امام رضا (ع) به نام های **حسین بن سعید، علی بن اسباط و حصین بن مخرق**.^{۲۰}

طبقه چهارم: در این طبقه مفسرانی جای دارند که نزدیک به زمان ائمه (ع) می زیسته اند. در واقع اولین زمانی بوده است که از وجود ائمه معصومین (ع) محروم شده اند و نیاز به تألیف تفسیر احساس شده است. لذا ایشان احادیث مربوط به تفسیر قرآن را جمع آوری کردند و به صورت کتب اولیه تفسیری شیعه قرار داده اند. چون درباره ایشان و کتاب های تألیفی شان بعداً به طور مفصل بحث خواهیم کرد. لذا در اینجا فقط به ذکر نام و کتاب تفسیری آنان کفایت خواهیم کرد:

۱. **علی بن ابراهیم قمی**، صاحب تفسیر قمی
 ۲. **فرات بن ابراهیم کوفی**، صاحب تفسیر فرات کوفی
 ۳. **محمد بن مسعود عیاش**، صاحب تفسیر عیاشی
 - ۴ و ۵. **ابو یعقوب یوسف بن زیاد و ابوالحسن علی بن محمد سیاری**، مؤلفان تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)
- و عدّه دیگری از مفسران.^{۲۱}

طبقه های پنجم و ششم: در این دو طبقه علم تفسیر وارد مرحله جدیدی شد. اجتهاد در تفسیر رونق گرفت و کتب ارزنده تفسیری از آن ها به جای مانده است که تا امروز مرجع اصلی تفسیری شمرده می شوند. بعضی از معروفین آن ها عبارتند از:

۱. **شیخ مفید (وفات ۴۱۳ هـ.ق):** مؤلف کتاب «البيان فی علوم القرآن» که تعداد کتاب هایش به ۲۰۰ عدد رسیده است.^{۲۲}
۲. **ابن شهر آشوب (وفات ۵۸۸ هـ.ق):** وی قریب ۱۰۰ سال زندگی کرد و صاحب کتاب های مناقب و اسباب النزول و متشابه القرآن.^{۲۳}
۳. **سید مرتضی علم الهدی (وفات ۴۳۶ هـ.ق):** صاحب کتاب های ارزنده ای چون «امالی» در تفسیر. کتاب «المحکم و المتشابه و تنزیه الانبیاء» وی در علوم متعدد

طبقه سوم: در این طبقات از اصحاب ائمه معصومین (ع) جای دارند.

۱. **ابوحمره ثمالی (وفات ۱۵۰ هـ.ق):** نامش **ثابت بن دینار** و از ثقات جلیل القدر کوفه و صاحب دعای معروف سحرهای ماه مبارک رمضان. **فضل بن شاذان** از امام رضا (ع) نقل کرده است که ایشان فرمود: «ابو حمزه ثمالی فی زمانه کسلمان الفارسی». چون چهار امام یعنی: **امام سجاد، امام باقر، امام صادق (ع)** و برهه ای از زمان **امام کاظم (ع)** را درک کرده است و امام صادق (ع) توسط **ابوبصیر** به او سلام رسانده و خبر وفاتش را داده است.^{۱۸}

۲. **ابان بن ثعلب (وفات ۱۴۱ هـ.ق):** محدث قمی می گوید: «ابان اهل کوفه بود و امامان: علی بن الحسین (ع) ابوجعفر الباقر (ع) و ابو عبدالله صادق (ع) را ملاقات و از آن ها روایت کرده و بسیار محبوب آن ها بوده و دارای

مانند علم کلام، فقه، اصول، ادب، نحو، شعر و لغت و غیره مقدم و پیشگام بود.^{۲۴}

۴. **سید رضی برادر سید مرتضی (وفات ۴۲۸ هـ ق):** سید رضی علی‌رغم عمر کوتاه خود دارای کتب متعددی است. از جمله تفسیر قرآن به نام «حقائق التنزیل» که جزو بهترین تفاسیر است و فقط جلد پنجم آن از سوره «آل عمران» تا اواسط سوره «نساء» در دسترس ماست. همچنین کتاب‌های «المتشابه فی القرآن» و «تلخیص مجازات القرآن»^{۲۵}

۵. **شیخ الطائفة ابو جعفر طوسی (وفات ۴۶۰ هـ ق):** شیخ طوسی (ره) نیازی به معرفی ندارد. او شاگرد شیخ مفید (ره) و سید مرتضی (ره) بود و در مجلس درسش ۳۰۰ مجتهد از خاصه و عامه حاضر می‌شدند. کتب ارزنده او در علوم انسانی به‌خاطر شهرتشان نیازی به معرفی ندارند. از باب نمونه چند مورد را متذکر می‌شویم:

۱. در علم تفسیر کتاب «البیان الجامع لعلوم القرآن»
۲. در حدیث صاحب دو کتاب از کتب اربعه شیعه به نام‌های «استبصار» و «تهذیب»
۳. در علم فقه صاحب «نهایه»، «مبسوط» و «خلاف»
۴. در اصول صاحب «عده»
۵. در رجال صاحب «فهرست»
۶. در ادعیه صاحب «صباح» و...^{۲۶}

۶. **شیخ ابوالفتوح رازی (استاد شهر آشوب، وفات: ۵۸۸ هـ ق):** محقق قمی از آن عالم مفسر این چنین تجلیل کرده است: «قدوة المفسرین و ترجمان کلام الله المجید صاحب روض الجنان فی تفسیر القرآن الذی هو حاوٍ لكل ما تشتهیه الانفس و تلذ الاعین»^{۲۷}

۷. **امین الاسلام ابو علی فضل بن حسن بن فضل طبرسی (وفات: ۵۴۸ هـ ق):** صاحب کتاب‌های «مجمع البیان فی علوم القرآن»، «الوسیط فی علوم القرآن» و «جوامع الجامع»^{۲۸}

۸. **قطب‌الدین راوندی (وفات: ۵۷۳ هـ ق):** قطب‌الدین نامش سعید و پدرش هبیب الله ابن حسن است. وی از علمای متبحر در فقه، حدیث و تفسیر بود و اهل تحقیق و مورد وثوق و صاحب کتاب‌های: «خراج و جرائع»، «قصص انبیاء»، «لب الالباب»، «شرح نهج» و «خلاصة التفاسیر». یکی از مشایخ ابن شهر آشوب و از امین‌الاسلام طبرسی و سید مرتضی و غیره روایت کرده است. قبرش در «صحن اتابکی» حضرت معصومه (س) در قم محل زیارت عام و خاص است.^{۲۹}

طبقه هفتم: پس از نهضت علمی شیعه در قرن‌های هفتم و هشتم، این نهضت در قرن‌های دهم و یازدهم به اوج خود رسید و زمینه تحولی عمیق را در تفسیر فراهم آورد که معروف‌ترین آن‌ها را نام می‌بریم.

۱. سید هاشم بحرانی (وفات: ۱۱۰۷ هـ ق)، مؤلف تفسیر البرهان.
۲. ملا محسن فیض کاشانی (وفات: ۱۰۹۱ هـ ق)، مؤلف کتاب‌های تفسیری صافی، اصفی، مصفی.
۳. شیخ عبدعلی حویزی شیرازی (وفات: ۱۱۱۲ هـ ق)،

مؤلف کتاب تفسیر نور ثقیل.

۴. سید عبدالله شبر (وفات: ۱۲۴۲ هـ ق)، مؤلف کتب تفسیری: کبیر، وسیطو و جیز.

۵. صدر المتألهین شیرازی (وفات: ۱۰۵۰ هـ ق) مؤلف تفسیر الاسرار الایات و مجموعه تفاسیر.

۶. بهاء‌الدین لاهیجی (وفات: ۱۸۰۶ هـ ق)، مؤلف تفسیر لاهیجی.

۷. میرزا ابراهیم شیرازی (وفات: ۱۰۰۷ هـ ق)، مؤلف کتاب العروة الوثقی فی التفسیر.

۸. مولی محمد رضا نصیری (تاریخ تألیف: ۱۰۶۷ هـ ق)، صاحب تفسیر الائمه لهدایة الامة که در ۳۰ جلد تألیف کرده است.

۹. سید حیدر آملی، مؤلف کتاب جامع الاسرار.

نتیجه و جمع‌بندی طبقات مفسران شیعه

طبقه‌های اول و دوم، صحابه و تابعین و طبقه سوم اصحاب ائمه معصومین (ع) بودند.

طبقه چهارم بعد از عصر ائمه و شروع عصر غیبت بود و آغاز تألیفات تفسیری شیعه. طبقه‌های پنجم و ششم عصر نهضت علمی و تفسیری اجتهادی شیعه بود و طبقه هفتم اوج نهضت علمی تفسیری را نشان می‌دهد.

فهرست خلاصه‌ای از مفسران جدید شیعه

۱. شیخ محمد جواد صدر بلاغی، مؤلف تفسیر آلاء الرحمان
۲. سید عبدالحسین طیب، مؤلف کتاب اطیب البیان فی تفسیر القرآن
۳. آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی، مؤلف البیان فی تفسیر القرآن
۴. علامه سید محمد حسین طباطبائی، مؤلف تفسیر المیزان
۵. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، مؤلف تفسیر نمونه
۶. سید محمود طالقانی، تفسیر پرتوی از قرآن
۷. شیخ یعسوب‌الدین رستگار، مؤلف تفسیر البصائر
۸. آیت‌الله جعفر سبحانی، مؤلف تفسیر موضوعی منشور جاوید
۹. سید مصطفی خمینی، مؤلف تفسیر القرآن الکریم.
۱۰. سید محمد شیرازی، مؤلف تفسیر تقریب القرآن الی الازدهان.

تذکر: همان‌گونه که در عنوان آمده، ما خلاصه‌ای از تألیفات شیعه را متذکر شدیم، و گرنه فهرست نویسان و به‌خصوص شیخ آقابزرگ تهرانی در جلد چهارم کتاب «الذریعه الی تصانیف الشیعه»، تفاسیر شیعه را بیش از ۴۰۰ تألیف ذکر کرده‌اند.^{۳۰}



پس از نهضت علمی شیعه در قرن‌های هفتم و هشتم، این نهضت در قرن‌های دهم و یازدهم به اوج خود رسید و زمینه تحولی عمیق را در تفسیر فراهم آورد